

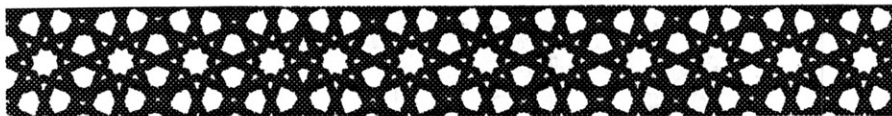
خاطرات

تاریخ و جغرافیہ
حج و آئینہ ادب و تاریخ
اسرار و معارف
امکن و آثار
فقیہ و فقہ



از مدینه تا ام‌القرای جهان اسلام

سید محمدباقر حجتار



● به سوی «بورکینافاسور» و «موریتانی»

هر چند ما را در مدینه به این سرزمینها راهی نبود؛ اما راه برای دیدار تنی چند از مردم چنان دیارهایی، گشوده بود:

* بورکینافاسور

ساعت حدود یازده صبح همین روز ۱۳۷۴/۲/۳ سه تن از مردم کشور «بورکینا فاسور» نزد ما آمدند. کشوری که با جمعیت سیزده میلیونی، شش میلیون مسلمان در آن به سر می‌برند، و پیرو مکاتب مختلف صوفیه؛ از قبیل: «تیجانیه»، «قادریه» و جز آنها می‌باشند که باید گفت اینان به تعبیر احادیث شیعه «ایتام آل محمد - علیهم السلام -» هستند که به علت نداشتن سرپرستی با کفایت، مأمنی استوار برای عقاید خود نیافتند و سرانجام به چنان مکاتبی پناه آوردند.

این سه تن از پیروان مکتب «قادریه» بودند، و علاوه بر زبان بومی، فقط با زبان فرانسوی آشنایی داشتند، اطلاعات آنها درباره انقلاب اسلامی، و ام‌القرای اسلام بسیار اندک



و گرفتار ابهام بود، با این که یکی از آنها حرفهٔ معلمی را به عهده داشت، آگاهیهای وی در این زمینه در سطح نازلی احساس می‌شد. علاوه بر این، وضع ظاهر آنها از فقر و تنگدستی شدیدی حکایت می‌کرد. پیداست که استکبار و استعمار جهانی در دنیای معاصر - چنانکه در گذشته - هنوز ترک‌تازانه و چموشانه و افسار گسیخته، توسنی خود را در مکیدن خون مستضعفان، بویژه مسلمین بی‌پناه جهان سرسختانه ادامه می‌دهد، و بیش از پیش در ربودن توان آنها گستاخانه به ستم‌رانی خود دست می‌یازد و ما این حقیقت را آشکارا در چهرهٔ این سه تن می‌خواندیم و با دیدار امثال اینگونه مردم بر مراتب تأثر و فسرده‌گی خاطرمان افزوده می‌شد که چرا اینهمه مسلمانان جهان به پا نمی‌خیزند و دمار از استدمارمداران بر نمی‌آورند، و این مردم معصوم و بی‌گناه و بی‌نوا را از یوغ طاعت شیطان بزرگ و کوچک نمی‌رهانند!

* موریتانی

شش تن از سادات موریتانی در همین روز نزد ما آمدند و اظهار داشتند از سلالهٔ رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - می‌باشند. آنها در این دیدار کوتاه، به ما یادآور شدند که حدود دویست هزار تن از «شرفا = سادات» در میان مجموع نفوس «موریتانی» در این کشور مقیم هستند.

این بنده در گزارش سفری که به مغرب داشتیم در مورد کتابخانه‌ها و نسخه‌های خطی «موریتانی» و ممالک دیگر اسلامی، اطلاعاتی را در اختیار علاقه‌مندان به این دست از مطالب، قرار دادم که در شمارهٔ ۵۶ و ۵۵ مجلهٔ «مقالات و بررسیها» (صفحهٔ ۱۴۳ تا ۱۷۳) چاپ و منتشر شده است.

● گینه

بامدادان روز دوشنبه ۱۳۷۴/۲/۴ ه. ش. یکی از دانشمندان کشور گینه - که امام جماعت مسجدی در شهر «بُکئی» از شهرهای گینه بود - به ملاقات ما آمد. وی که دلباخته و دلدادۀ انقلاب اسلامی و حضرت امام راحل - طیب الله رمسه - و مقام معظم رهبری بود خشم و نفرت زیادی نسبت به صدام در دل داشت. او می‌گفت در زمان جنگ تحمیلی، همواره دعا می‌کردم و از خدا می‌خواستم که صدام در این جنگ مغلوب، خوار و ذلیل گردد؛ چرا

که با کشوری که برای احیای اسلام و قرآن و سرفرازی و عزت مسلمانان قیام کرده، با تحریک دشمنان اسلام، جنگ با آن را آغاز کرد؟ دعای ما مؤثر واقع شد، و صدامیان و محرکان او در برابر صلابت و پایداری ملت جمهوری اسلامی ایران سرفراکنده شدند. در حال حاضر دولت عراق با وضع پریشانی دست به گریبان است که مردم آن سامان به علت ندانم کاریهای او، در شرایط اسفباری به سر می‌برد [هم‌اکنون آردی که نان مردم بی‌نوی عراق را می‌پردازد، معجونی از آرد متعارف و سوده و نرمه شده هسته‌های خرما است که آن هم با بهای سنگینی به دست مردم می‌رسد. در مملکتی که زمانی دینارش معادل حدود سه دلار بود، آنچنان سقوط کرد که باید مردم آن یکهزار و چهارصد و پنجاه، تا یکهزار و پانصد دینار بپردازند و در برابر اینهمه دینارها، یک دلار دریافت کنند! عده‌ای از عراقیان که از راه دیگری جز عراق به حج آمده بودند، اظهار می‌کردند: صدام سفر حج را امسال ممنوع ساخت و گفت نباید پول مملکت در خارج عراق هزینه شود، و ما از طریق دیگر به این دیار آمده‌ایم.] در میان دیدار کنندگان و واردین، این مرد گینه‌ای، آگاه به مسائل سیاسی و اجتماعی و مآلا و دانشمند به نظر می‌رسید که اطلاعات دقیق‌تر و گسترده‌تر از دیگران در اختیار داشت.

● نیجریه

در همین روز (۷۴/۲/۴) یکی از مردم نیجریه با ما دیدار کرد. او می‌گفت دارای پنج فرزند است که همگی در سطوح و مقاطع مختلف، حافظ کل و یا قسمتهایی از قرآن کریم هستند و می‌خواست با لسان حال به ما خاطر نشان سازد که ما نیز مانند شما به قرآن کریم دلبستگی داریم و بدینسان، نهضت و خیزشی که در جمهوری اسلامی برای احیای دین و قرآن پدید آمد برکاتش نصیب ما نیز گشت.

ولی طبق گفته‌اش در شهری زندگانی می‌کند که با ده میلیون جمعیت، فقط دارای پنجاه مسجد است. نگارنده نام این شهر را هم‌اکنون به خاطر ندارم.

وی اظهار می‌داشت: در کشور ما اتومبیل و هلی‌کوپتر می‌سازند و پیشرفتهایی در تکنیک کسب کرده و می‌توانند در پاره‌ای از فرآورده‌ها خودکفا باشند؟! و نیز این نکته را در پایان افزود که آمریکا دید خوشی به کشور ما ندارد؛ بلکه با کینه‌توزی با آن رویاروی می‌باشد.



● با جوانی از ترکیه و مقیم کشور آلمان

روز چهارشنبه ۶/۲/۷۴ یکی از جوانان مسلمان ترکیه که مقیم «هانور» آلمان بود و در هتلی کار می‌کرد نزد ما آمد؛ جوانی که با اخلاص به نظر می‌رسید؛ لیکن شبهاتی در ذهنش او را می‌آزرد که در جستجوی زدودنِ هالهٔ ابهام راجع به این شبهه‌ها از محیط افکارش بود. می‌گفت: هر چند که به حکم قرآن می‌پذیرم که پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - پیام‌آور مهر و رحمت و صلح و سازش و رأفت و روحیهٔ مودت متبادل میان انسانها است؛ اما از آن سو می‌گویند: آن حضرت می‌فرمود: من حامل پیام جنگ در کنار تعالیم دیگر خود می‌باشم؟ ما پاسخ دادیم به دلیل همان آیه: «وما أرسلناک إلا رحمةً للعالمین» چنین سخنی را به سادگی از شما پذیرا نیستیم. چنین چیزی درست نیست، و اگر سخن از جنگ در اسلام به میان می‌آید هدف آن ایجاد آشوب و اضطراب نیست؛ بلکه اگر احیاناً جنگ به عنوان آخرین چاره در اسلام مطرح است هدف آن استقرار صلح و آرامش در جامعهٔ بشری است؛ چون گاهی بیماریِ مریض به گونه‌ای است که دارو را توان درمان آن نیست، و باید با چاقوی جراحی، بی‌رحمانه به جان بیمار هجوم آورد، تا بیماری را در او ریشه‌کن کرد و سلامتیش را اعاده نمود. در ذهن او این شبهه نیز وجود داشت که این مسیحیت است که فقط صلح و رأفت و محبت و گذشت را توصیه می‌کند؛ چرا که مسلمین از دیرباز تا کنون سلاح به دست با جامعه‌های دیگر مواجه بوده و هستند؛ ایران در مقابل عراق، بوسنی هرزگوین در برابر صربها و...؟ این اوضاع نشان می‌دهد که اسلام صرفاً خواهان صلح و سلم و آرامش نیست؟! توسط مترجم به او فهماندیم که مسلمین تا کنون بدون هدف استقرار صلح و برچیدن شرک - که امّ الفساد است - از همان زمان طلوع اسلام تا کنون، جنگی را آغاز نکردند؛ مگر آنگاه که احساس نمودند دشمن با تجمع و تمرکز قوای خود آهنگ یورش به جامعهٔ اسلامی دارد، در این صورت اگر شخص شما مورد هجوم و تجاوز فردی دیگر قرار گیرید قهراً به هر وسیله‌ای به تهاجم پاسخ داده و از خود عکس‌العمل خشونت‌آمیز نشان می‌دهید.

ایران جنگ را با عراق آغاز نکرد، این عراق بود که بدون هیچ بهانه‌ای موجه، به هجوم و تجاوز به ایران دست یازید، و ایران ناگزیر برای حمایت از کیان و حریم خود دست به سلاح برد و برای آن که در محیط اسلامی ایران و مجاور آن آرامش حاکم گردد خشونت را که

ضروری می‌نمود به کار برد. صربها به بوسنی و مسلمین تجاوز کردند. اگر بوسنویها سلاح به دست در مقام روباوویی با آنها برآمدند آیا چاره جز این داشتند؟ آیا ما باید دست روی دست بگذاریم و کشتار دسته جمعی نسبت به مسلمین این دیار را نادیده انگاریم؟! این مسیحیان هستند که در سایه قدرت نظامی، حقوق جوامع بشری را زیر پا نهاده، و لحظه به لحظه بر طغیان و تجاوز خود می‌افزایند، و اینان با داشتن حق «وتو» دنیای آرام مستضعفان را بی‌وقفه به اضطراب و ویرانی می‌کشانند.

آنگاه راجع به ترکیه تا زمان حکومت عثمانی عقب نشستیم و دورنمایی از قدرت و توان اقتصادی و نظامی این امپراتوری را برای او تصویر کردیم که تقریباً بر سه قاره جهان در سایه امپراتوری اسلام حکومت می‌کرد و با ابرقدرتهای جهان روباوویی می‌گشت؛ و با توانی شگرف رعب و وحشتی در میان کشورهای نیرومند و دشمنان اسلام به هم رسانده بود، به گونه‌ای که قدرتمندترین کشورها را به زانو درمی‌آورد؛ در آن دورانی که این حکومت با قرآن و اسلام پیوندی درخور توجه داشت و بعدها که به تدریج فرهنگ غربی نفوذ خود را در این امپراتوری آغاز کرد توان اداره این امپراتوری را از دست نهاد، و دفتر این امپراتوری بسته شد و حکومتی لائیک و گسسته و بیگانه از دین به وسیله مصطفی کمال آتاتورک در آن جایگزین این امپراتوری نیرومند گشت و ضعف و ناتوانی ترکیه به اوضاع اسف‌آوری منجر شد که به عنوان نمونه در جنگ آمریکا با کره شمالی بار بیشترین کشته‌ها و تلفات این جنگ را ترکیه به دوش می‌کشید و بیش از سربازان آمریکایی کشته داد و می‌گفتند این حکومت لائیک، سربازان این جنگ را با دلار مبادله می‌کرد. محصول فروپاشی حکومت عثمانی و پدید آمدن نظامی که بکلی خود را از دین جدا کرد این بود که: ممالکی کوچک از قبیل عربستان سعودی، عراق، اردن، سوریه، لبنان و جز آنها، گسسته از یکدیگر و بس ناتوان را به ارمان آورد که به صورت لقمه‌های قابل خوردن و مطبوعی درآمدند که اشتهای جهانخواران را تحریک کرده و دانه دانه آنها را در کام ماسک حق به جانب نمای استعمار فرو بلعیدند.

قطعاً اگر این امپراتوری که - تا حدودی با اسلام پیوندی استوار داشت - بر سر پای می‌ماند، صربها سودای گستاخی و تجاوز بر بوسنی را در سر نمی‌پروراندند، و اینهمه جنایتی که روی گرگهای بیابان را سفید کرده و جانوران درنده‌خو را شرمنده می‌سازد پدید نمی‌آوردند.



اسلام و قرآن چتر حفاظی بر سر مسلمانان بود که جرأت را از قلوب فزون جویان متجاوز ربوده بود که هرگز به خود اجازه نمی‌دادند در لبنان و فلسطین و مصر و سودان و بوسنی و افغانستان و ممالک کوچک دیگر دست یازیده و مردم بی‌گناه این مناطق را آواره سازند، و توده‌ای جانوران انسان‌نما و مسخ شده که خود در سراسر تاریخ جهان از روزگارانِ فراعنه و بختنصر و هیتلر در آوارگی به سر می‌بردند، با غضب سرزمین فلسطین در جایی تجمع یافته و دست تجاوز به جان و مال و ناموس مسلمین دراز کنند.

نباید در اینجا اختلاف مسلمین را از نظر دور نگاه داشت؛ فعلاً فجایی که مسلمین را سخت در زیر شکنجه استعمار می‌آزارد نتیجه اختلاف و پراکندگی مسلمین با یکدیگر است. اگر این تفرقه جای خود را به اتحاد و همبستگی دهد، هیچ قدرتی و بلکه قدرتهای متمرکز حکومت‌های نیرومند معاصر حریف آنها نخواهند بود.

ملت ترکیه ملتی شایسته و مخلص و برخوردار از شهامتی شگرف می‌باشد و با خاتمه دادن حکومت آتاتورکی و جایگزین ساختن حکومت اسلامی، عظمت از دست رفته خود را بار دیگر باز آورده و با قامتی راست در برابر ابرقدرتها بر سر جای خود استوار ایستاده و هیچ قدرتی را یارای برابری با آن، از آن پس نخواهد بود.

باری پس از بحث و گفتگوهای جزئی دیگر، ظاهراً سایه ابهامات یاد شده از صحنه اندیشه‌اش سترده گشته، و شادمانه ما را - از این که اطلاعاتی کسب کرده بود - ترک گفت.

● درسوگ اربعین یادگار حضرت امام راحل - قدس الله سرهما - درکنار بارگاه نبوی

روز چهارشنبه ۱۳۷۴/۲/۶ ساعت چهار و نیم بعد از ظهر، مجلس یادبودی توسط سرپرست محترم بعثه مقام معظم رهبری در سالن اجتماعات به مناسبت چهلمین روز ارتحال یادگار جلیل القدر امام راحل - قدس سره - حضرت حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای حاج سید احمد موسوی خمینی - اعلی الله مقامه الشریف - منعقد گشت و اجتماعی بس عظیم در این مجلس با شکوه متشکل از روحانیون والا مقام و علمای عظام و طبقات مختلف دیگر - که مجموعاً زائران حرمین شریفین بوده‌اند - فراهم آمد.

علاقه و محبت زایدالوصفی که ما نشانه‌ها و تجلیات آن را هنگام تشییع پیکر پاک

خلف صالح حضرت امام راحل - قدس سره - در ایران آشکارا به طرز بی سابقه‌ای رؤیت کردیم، سیل جمعیت زوار را به سوی بعثه از نواحی مختلف مدینه و دوردست‌ترین نقاط، آن چنان به خود جذب کرده بود که در همان آغاز جلسه در سالن جایی برای نشستن، حتی ایستادن تازه واردین نبود.

آقازاده ایشان جناب آقای یاسر - حفظه الله تعالی - و میزبانان این مجلس در آستانه آن ایستاده برپا، مراسم احترام را برای واردین به عهده داشتند. علی‌رغم آن که تراکم جمعیت و گرما فضای این مجلس را به حرارتی فرساینده کشانده بود و بر حرارت طبیعی این محیط، که از سه سو بسته بود می‌افزود دلسوختگان فقدان یادگار امام عزیز - طیب الله رسمه - به هر زحمتی که بود سعی می‌کردند افتخار شرکت در این نشست را به دست آورند؛ هر چند که تحمل این فضا دشوار می‌نمود، مع الوصف تا آخرین لحظات ادامه این مجلس سراپاگوش شده تا از مراسمی که در آن برگزار شده بود حظ و بهره‌ای روحی و معنوی و پاداشی عاید خود سازند.

جناب آقای سلیمی با تلاوت آیاتی مناسب، با صوت و لحنی جذّاب، طلیعة این مجلس را افتتاح کرد، و آنگاه:

آقای موسوی مداح رثایی رسا را به مناسبت این یادبود، با صدایی خوش و حزین می‌خواند و پیوسته اندوه و غم مستمعان بالا می‌گرفت و خاطره اسف‌آور فقدان این بزرگوار و سلاله پیامبر اکرم و فاطمه زهرا - سلام الله علیها - بار دیگر تجدید شد، که آه از نهاد حاضران برمی‌آورد و گریستن سر دادند. گویا پس از چهل روز دوباره از نو یادگار امام راحل - قدس سره - تازه از دست آنها ربنده شد. دانه‌های لغزان اشک یکی پس از دیگری از دیدگان فرومی‌ریخت و گونه‌ها را مرطوب می‌ساخت، و چهره افسرده حاضران مجلس را غم‌آلوده‌تر می‌نمود.

باید قلبی که از این مصیبت عظمی پریش بود و غم و اندوهی که سینه‌ها را با خود لبریز ساخته بود در قعر و ژرفایش مطالبه حقایقی می‌کرد که ناگفته مانده بود و باید شمه‌ای از آن را خاطر نشان می‌ساختند و این مهم را باید در اختیار فردی می‌نهادند که کفایت و شایستگی او در حدی که ظرف زمان مجلس اقتضا می‌کرد محرز می‌نمود؛ لذا:



حضرت حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای توسلی - حفظه الله تعالی - یار و همدم و مصاحب دلسوز امام راحل رشته سخن را به دست گرفته، درباره شخصیت والای یادگار از دست رفته امام، حقایقی را خاطر نشان ساخت که کمتر مردم در جریان آنها قرار داشتند. دو خصلت ویژه‌ای را از آن مرحوم گزارش کردند و پیرامون این دو خصلت، بحث نسبتاً مبسوطی را در پیش گرفتند:

* نخست آن که یادگار امام سخت پای‌بند حفظ و صیانت کیان و آرمان انقلاب اسلامی و اهداف حضرت امام بوده و به شدت از نیات بلند آن بزرگوار در سخن و عمل حمایت می‌کرد، و به هیچوجه حاضر نبود کمترین آسیبی بر پیکر انقلاب وارد شود، و بر اندیشه‌های والای امام بزرگوار در جمهوری اسلامی ایران، و شؤون مختلف زندگانی مردم این کشور، و اسلامی شدن طرز فکر و عمل آنها کوچکترین آسیب و صدمه‌ای وارد آید و در این رهگذر از جان و دل می‌کوشید.

** دیگر آن که مرحوم حاج سید احمد آقا، مطمئن‌ترین فردی بود که اعتماد حضرت امام را به خود جلب کرده بود، حضرت امام اطمینان واثق به ایشان داشت و می‌دانست کمترین نقطه ضعفی که بتواند دستاویزی به دست ضد انقلاب بدهد در عمل و کردار و گفتار ایشان وجود ندارد، هر چند شایعه‌سازان حرفه‌ای با نگاهی ذره‌بینی بر آن بودند که بهانه‌هایی درباره ایشان ساز کنند، و ساحت مقدس و مطهر او را لکه‌دار نمایند، اما هیچگونه خرده‌ای که دستاویز انتقاد معاندان باشد در ایشان دیده نشد. حتی پیش از انقلاب نیز به منظور بدنام کردن امام، تمام رفتار ایشان را ساواک زیر نظر داشت؛ اما به علت مبری بودن ایشان از هر گونه خرده و عیب، و پاکیزه بودن از هر گونه آلاچی، در این هدف نامقدس خود ناکام ماندند. تا آخرین لحظات عمرش در خانه استیجاری مجاور خانه محقر امام راحل، در منزلی عادی از هر گونه تشریفات و بسیار ساده - به سان توده‌ای از مردمی که در سطح نازلی زندگانی می‌کردند - عمر کوتاه خود را پشت سر نهاد، و هیچ سودایی دنیوی در سر نداشت. امام راحل - قدس سره - را پس از مدتها در عالم رؤیا دیدار کرد، و از آن بزرگوار اوضاع عالم برزخ را پرسید. حضرت امام پاسخ دادند سخت دشوار است، حتی حرکات دست نیز ثبت و ضبط می‌شود، شفاعت حضرات معصومین - علیهم السلام - کارساز و رهایی‌بخش است. آنگاه آقای

توسلی خواب خادمه منزل یادگار امام - رضوان الله تعالى عليهما - را گزارش کرد، خوابی بس سوزناک و جانگداز که آقای توسلی - حفظه الله تعالى - نوید دادند که قریباً مطالب ناگفته‌ای در مورد یادگار عزیز امام، در مجله «حضور» چاپ و منتشر خواهد شد، که از آن جمله همین رؤیایی است که بسی حسرت‌آور و دردناک و گدازنده قلوب مردمی می‌باشد که امام و یادگار بسیار گرانقدر ایشان را از جان و دل دوست می‌دارند و شخصیت والای آنها را ارج می‌نهند.

□ هنوز در مدینه به سر می‌بریم:

● ملاقات با دو تن از مردم ترکیه

روز پنجشنبه ۷۴/۲/۷ با دو جوان نسبتاً مطلع و آگاه از مردم ترکیه - توسط یکی از دوستان - دیداری داشتیم که مقیم آنکارا بوده و سفر حج نصیب آنها گشته بود. نخست از اوضاع کشور ترکیه به خاطر جدایی دین از سیاست و حکومت شکوه داشتند. می‌گفتند: در ترکیه مردم فقط به ظواهر دین پای‌بند هستند و از محتوای آن در بی‌اطلاعی محض به سر می‌برند، بویژه که خط آنها لاتینی و بیگانه از خط اسلامی است، و زبان آنها ترکی می‌باشد. بنابر این از حقایق و نصوص دینی جز آگاهیهای سطحی و اطلاعی بسیار ناقص و یا احیاناً آشنایی به تلاوت قرآن بهره‌ای ندارند و ناگزیر بدانها بسنده می‌کنند، و از حقیقت دین و اندیشه دینی و تفکر اسلامی در محرومیت به سر می‌برند.

به آنها یادآور شدم: هرچند تا کنون، علیه حکومت عثمانیها تبلیغ کرده و می‌کنند - لیکن قدرت این حکومت - که بخش مهمی از جهان اسلام را زیر سلطه و اقتدار خود داشت - دنیای غرب را یارای آن نبود که به مقابله با آن برخیزد (و همانطور که قبلاً اشاره کردیم) با ابرقدرتها با نیروی نظامی توانمند خود رویاروی می‌شده و غالباً موجب شکست دشمنان امپراتوری عثمانی می‌گشتند. حکومت در دوران خلافت عثمانی و حکومت عثمانیها به کلی از دین و قرآن و اسلام بیگانه نبود و همین امر توانست وحدت و یکپارچگی مناطقی را که هم‌اکنون به صورت کشورهای کوچک درآمده‌اند مدتها صیانت کند.

من تردیدی ندارم که اگر حکومت و یا امپراتوری اسلام - که از اسلام کاملاً نبریده بود - بر سر پای می‌ماند، هرگز این جنایتی که از سوی صربها در بوسنی جریان دارد و فجایعی

که اسرائیلیها در لبنان و فلسطین بدانها دست می‌یازند پدید نمی‌آمد. بنا بر این فاصله گرفتن دولت ترکیه از دین نه تنها برای بخش گسترده‌ای از جهان اسلام مصیبتی عظیم می‌باشد، برای ترکها نیز جز رکود و بلکه ضعف و ناتوانی و بدبختی و ورشکستگی اقتصادی و فساد اخلاقی چیزی به ارمغان نیاورد.

هر چند موقعیت حزب رفاه ترکیه، زنگ خطری است برای آمریکا و اسرائیل، اما موفقیت مردم ترکیه در ایجاد یک حکومت اسلامی، مراحل تدریجی و مرور زمان را درخواست می‌کند و من اطلاع دارم که علمای دینی ترکیه - البته نه همه آنها - خواهان چنین حکومتی هستند که مردم ترکیه را از ابتدال و فرومایگی و بی‌دینی که دولت ترکیه بدانها دامن می‌زند برهانند. خیزشهایی هم اکنون در ترکیه وجود دارد که باید توسط علمایی - که از پشتوانه مردمی برخوردارند - این تحریکها و جنبشها بارور شود. اما متأسفانه برخی علمای دینی ترکیه از مرتزقه و شهریه بگیران دولت و حکومت هستند و تکیه‌گاه مردمی ندارند؛ لذا همانطور که اشاره شد خطبه‌های نماز جمعه و موعظه‌های آنها، دیکته شده و محدود به موضوعاتی خاص است که بازدهی آن صفر و یا زیر صفر و بلکه غفلت‌آور است. اگر مردم به مدد علمایی بیایند که درد دین دارند، و از نظر اقتصادی، آنها را از شهریه و مواجب دولتی بی‌نیاز سازند، به یقین راهبر دینی در ترکیه خواهیم داشت که مردم را از غل و زنجیر حکومت لائیک رهایی خواهد بخشید.

چنانکه در ایران رهبران مذهبی از کمکهای مردمی برخوردار بودند، و آزادانه حقایقی را - بدون این که خود را در تنگنای خواسته‌های دولت و حکومت پیش از انقلاب محدود سازند - به گوش مردم رساندند و سرانجام با پایمردی حضرت امام راحل و علما و مردم که با یکدیگر همبستگی یافتند توانستند حکومت ریشه‌دار سلطنتی و استبداد پنج‌ساله خاندان پهلوی را - با آنهمه قدرت و شکوهی که به هم رسانده بودند - فروپاشانده و حکومت اسلامی را جایگزین آن سازند.

علمای ترکیه وظیفه‌ای الهی به عهده دارند که باید بت‌شکنی را آغاز کنند، و بنیان حکومت لائیک را - که کمال آتاتورک آن را به صورت معبودی برای دولت ترکیه دور آورده و خود نیز بسان بت در میان شماری از دولتمردان، جا خوش کرده - به تدریج درهم

فروریزند. مردم ترکیه را آنطور که من می‌شناسم شایستگی چنین کاری هست؛ البته باید به کمک علمای دینی آمده و به آنها از هر لحاظ مدد رسانند، تا آنها خود را بی‌نیاز از دولت دانسته و گوش به آواز حکومت نباشند، و در امر وعظ و تبلیغ از دولت بیگانه از اسلام درس نیاموزند. در آن صورت با توجه به اخلاص و شهامت و ایمان راستین و توانمندی و کارایی که همگان در مردم ترکیه سراغ دارند پیروزی آنها در ایجاد حکومت اسلامی قطعی است. علمای بزرگ از این سامان فرارسیدن چنین روزی فرزنده را به ما نوید دادند؛ اما باید گفت با توجه به متکی بودن شوون دینی به دولت، باید مراحل و گردنه‌های زیادی را به تدریج پشت سر گذارند. به هر حال، تاریخچه کوتاهی از دوره‌های متقدم و متأخر (حکومت عثمانی) و معاصر (ترکیه) و اوضاع و احوالی که این امپراتوری به خود دید به آنها خاطر نشان شدیم. این دو جوان ترک پرسشهایی با ما در میان گذاشتند؛ از آن جمله:

۱- فرق میان سنی و شیعه از نظر اعتقادی در چیست؟

یادآور شدیم: تفاوت شیعی و سنی در آن است که شیعی معتقد است امامت و پیشوایی از آن کسانی است که این سمت برای آنها از سوی رسول خدا و از رهگذر وحی معین شده، و رأی مردم در آن سهمی نداشته است؛ ولی خلافت و جانشینی پیامبر اکرم -ص- از نظر اهل سنت بر رأی مردم مبتنی بوده است و رأی مردم در نصب و عزل خلفا، ملاک و معیار تلقی می‌شود. ولی امامت به هیچوجه متکی به رأی مردم نبوده، یعنی رأی آنها در عزل یا نصب آنها به امر امامت هیچ سهمی ندارد. لذا ما می‌گوییم: امیرالمؤمنین علی -ع- از همان زمانی که ابوبکر طبق رأی حاضران سقیفه بنی‌ساعده، اکثرت آرا را به دست آورد و به خلافت منصوب شد، امام بوده و خدا او را به عنوان جانشین رسول خدا -ص- در راهبری و امامت مردم معین کرده بود، هر چند قدرت اجرایی و حکومت به دست ابی‌بکر افتاد، لیکن در همین شرایط باید مردم و حتی خلیفه از امیرالمؤمنین علی -ع- رهنمود می‌گرفتند - چنانکه می‌گرفتند... در دست نداشتن حکومت و قدرت اجرایی هیچ منافاتی با امامت و رهبری ندارد. امام راهبر مردم است، هر چند که توان اجرای رهنمودهای او را از دست او برابند و در اختیار خود گیرند. چنانکه خود امیرالمؤمنین علی -ع- فرمود:



«ابنای امامان، قاما أو قعدا»؛ «این دو فرزند من، امام و راهبر مردم هستند، قدرت اجرایی در دست داشته باشند و قیام کنند، و یا فاقد چنین قدرتی بوده و حتی در سرای خویش در راهبری مردم محدود باشند و در امر اجرای امور مملکت به پا نخیزند.»

بنابر این امامت امیرالمؤمنین علی -ع- با خلافت و قدرت اجرایی ابوبکر آسیب نمی‌بیند؛ چون ابوبکر و دیگران امام نبوده‌اند، و تاریخ نیز از دیرباز تا کنون در میان خلفا، فقط از علی امیرالمؤمنین -ع- به عنوان «امام» یاد می‌کند، و «الامام علی» از آغاز تا کنون زبانزد تاریخ اسلام است. و چون امیرالمؤمنین علی -ع- از آغاز امر، امام بوده - هر چند قدرت اجرایی در اختیار دیگران قرار داشت - ولی آنان در تمام شؤون از رهنمودهای آن حضرت در مسائل دینی و اقتصادی و نظامی و سیاسی و جز آنها بهره می‌جستند؛ و امیرالمؤمنین علی -ع- هرگز در مقابل آنها شمشیر نکشید. اما آن حضرت با معاویه (به اصطلاح به جنگ کلاسیک) روی آورد و بر روی او شمشیر کشید؛ چرا که حاضر نبود برابر امامت و مقام رهبری آن حضرت سر طاعت فرود آورد؛ ولی خلفای قبل از او در پیروی از رهبری حضرت علی -ع- و بهره‌وری از رهنمودهای آن حضرت دریغ نمی‌ورزیدند؛ بلکه پناهگاه آنها در همه مسائل، امیرالمؤمنین علی -ع- بوده است. پرسیدند:

۲- در فروع احکام، میان سنی و شیعه چه تفاوت‌هایی است؟

گفتیم: در اکثر قریب به تمام فروع احکام، در مسائل کلی و اساسی، هیچ اختلافی که این دو فرقه را بکلی از هم جدا سازد وجود ندارد. در عمل مسائل فرعی عملی در کلیات آنها باهم مشترکند؛ هر چند در جزئیات امر اختلاف نظر وجود دارد. و این اختلاف به سان اختلافی است که میان مجتهدان یک عصر یا چند عصر که پیرو یک مکتب و مذهب باشند جلب نظر می‌کند.

با توجه به این که در مورد قرآن و پیامبر و قبله و کلیات احکام فرعی، هر دو فرقه از اتفاق عقیده و عمل برخوردارند. بنابر این چنین اختلافی نباید سر از عداوت و بیگانگی از یکدیگر برآورد و به هیچوجه در این باره خصومت سزا نیست. باید گفت تعصب عده‌ای و یا تفردهای دشمنان اسلام به این تفرقه و بغض و کینه و عداوت فرقی مختلف اسلامی با

یکدیگر دامن می‌زند که باید بسیار هشیار باشیم.

ما که همه در یک موسم به حج آمدیم، و بر گرد یک کعبه طواف می‌کنیم و با یک قرآن، همگی سر و کار داریم و به سوی یک قبله نماز می‌گزاریم و می‌کوشیم که از سنت یک پیامبر پیروی کنیم و بسترهای مشترک ما با یکدیگر به قدری زیاد و پر شمول است که اختلاف در پاره‌ای از مسائل در کنار آن ناچیز می‌نماید و شما که به اهل‌البیت - علیهم‌السلام - فزون از اندازه عادی همانند ما ارج می‌نهد؛ پس این اختلافی که سر از کینه و عداوت به یکدیگر برمی‌آورد از کجاست؟ به عقیده من اختلافی این چنین از آغاز ظهور اسلام ریشه در دشمنی دشمنان اسلام دارد و هم اکنون هم مانند گذشته معاندان و بدخواهان اسلام دانسته و خواسته به این تفرقه دامن می‌زنند که مبادا مسلمین با اتحاد و همبستگی با یکدیگر، قدرتی شگرف و شکست‌ناپذیر به هم رسانند، و دنیای کفر را سرکوب سازند، و مآلاً فتنه و شرک از میان جوامع بشری برخیزد. دشمنان اسلام از چنین روزگاری بیمناک بوده و هستند، لذا از هر وسیله برای تفرقه مسلمانان بهره‌جسته، و هم‌اکنون هم برای جدایی و خصومت فریقین با یکدیگر از هرگونه سرمایه‌گذاری دریغ نمی‌ورزند.

● از «ملبورن» استرالیا

روز دوشنبه ۱۳۷۴/۲/۱۱ ه. ش. نیز بیکار نبودیم و در انتظار ورود میهمانی در کنار بارگاه رسول خدا - ص - به سر می‌بردیم تا این که یکی از پاکستانی‌های مقیم «ملبورن» استرالیا نزد ما آمد. او مهندس در رشته مکانیک بود؛ لیکن بسیار دلسوز نسبت به دین به نظر می‌رسید، و از این که پانصد خانوار شیعی «ملبورن» فاقد روحانی و پیشوای دینی هستند سخت نگران و گله‌مند بود. هر چند شماری از کارشناسان دینی به صورت موسمی با آنان تماسهایی برقرار می‌سازند؛ ولی در رفع مشکلات مستمر آنان نقش سازنده‌ای به عهده ندارند. وی به ما خاطر نشان شد که در «سیدنی» بیست هزار شیعی از کشورهای پاکستان و هندوستان و لبنان و سایر کشورها زندگانی می‌کنند که فاقد پیشوایان و راهبران مذهبی می‌باشند. و از این وضع بسیار متأسف و افسرده‌خاطر و گله‌مند بود و تصور می‌کرد کاری از من ساخته است که مبلغ و روحانی کاروان و عالم و خبره در مسائل دینی - که همواره در میان آنها



ملجأ و پناهگاهی باشد - سراغ و به سوی آنها گسیل کنم. ضمناً می‌گفت: ما فردی یا افرادی را درخواست می‌کنیم که به زبانهای عربی وارد و انگلیسی آشنا باشند.

گزارش این شیعی دلسوز، هشدار است به ما که مسلمین در پنج قاره جهان جای مناسبی را برای خود باز کرده و زمینه را برای جهانشمول گشتن اسلام فراهم می‌آورند؛ لیکن مردم مسلمان به علت افتراق و از هم گسیختگی و قهر و بیگانه سان زیستن دولتمردان کشورهای اسلامی از یکدیگر، در برابر خود برنامه منسجمی نمی‌یابند تا بر روال آن به سازندگی در محیط خود (نه سازش با آن) توفیق یابند.

این وضع هر چند ایام آل محمد - صلوات الله عليهم أجمعین - را در سرزمینهای مختلف و کشورهای بیگانه رنج می‌دهد؛ اما باید توان دولت و حکومت جمهوری اسلامی ایران را در نظر گرفت که آیا توقعاتی این چنینی در امکانات ام‌القرای اسلام است، آنهم مبلغی آشنا به سه زبان، نه تنها یک مبلغی این چنین؛ بلکه مبلغانی که علاوه بر آشنایی به چند زبان، خبره و آگاه و دانا به مسائل مختلف دینی باشند، آنهم نه برای شهرهای متعدد یک کشور، بلکه برای شهرهای ممالک پنج قاره و ربع مسکون کره خاکی جهان؟! البته این توقع و انتظار، توقعی درخور است؛ چرا که انقلاب اسلامی به مسلمین دنیا و حتی جهان کفر فهماند که می‌تواند عهده‌دار با کفایتی برای سعادت و سلامت دین و دنیای مردم در هر عصر و دورانی باشد؛ لذا این توقع را با جمهوری اسلامی ایران در میان می‌گذارند که به خواست خداوند هر چه زودتر از چنین توانی برخوردار گردد.

باید ملت جمهوری اسلامی ایران بدانند که چنان پایگاهی در میان امت‌های اسلامی سرزمینهای جهان اسلام و حتی در گستره جهان - در سایه انقلاب اسلامی - برای خود احراز نمودند که به آنها چشم امید دوخته تا انتظاراتشان را برآورده سازند.

● دیدار با دو تن از شیعیان ترکیه

روز شنبه ۱۳۷۴/۲/۱۶ ه. ش. دو تن از شیعیان ترکیه که با یکی از آنها در خود ترکیه دو سال پیش آشنایی به هم رسانده بودم، به دیدار بنده آمدند، و گفتگوی ما با آنها به طول

انجامید، اینان مسائلی را خاطرنشان می‌ساختند؛ از آنجمله:

الف - می‌گفتند: تعدّد مراجع تقلید به عنوان یک مشکل بزرگ بر دوش ما سنگینی می‌کند. و گروه‌هایی مختلف در مقام حمایت از مرجع خاصی سرگرم تبلیغ هستند و همین امر موجب سرگردانی دومیلیون نفر شیعه و شماری از علویان شده که خود را شیعی اثنا عشری می‌شناسانند. هر چند در واقع این علویان چه در ترکیه، و یا سوریه یا مناطق دیگر، به علت جلای وطن تا تبعید و تشرید، از راهبران دینی خود به دور و محروم ماندند. و چون به تکالیف شرعی و احکام عملی آشنایی نداشتند در بلا تکلیفی زندگانی را از نظر دینی سپری می‌سازند و هم‌اکنون همانند شیعه جعفری که خود را پای‌بند وظائف می‌دانند خویشتن را موظف به آنها نمی‌انگارند. و در واقع اینان «ایتام آل محمد - ص -» هستند که از راهبران دلسوز خود محروم مانده، و به تدریج، قید و بند تکالیف را از هم گسیخته و آنها را به یکسو نهاده‌اند و چنانکه می‌دانیم علویان در سوریه به تدریج بازگشت خود را - البته عده زیادی از همین علویان - به سوی تکالیف عملی و تصحیح عقیدتی آغاز کرده‌اند. اگر علویان ترکیه ارشاد شوند و به آنها تفهیم گردد که در درون خود، حامل همان اعتقاداتی هستند که شیعه امامی چنان اعتقاداتی را در خود به هم رسانده است، و از پی این اعتقادات، ناگزیر می‌باشند دست اندرکار تکالیفی گردند که ائمه - علیهم‌السلام - بدانها رهنمون شدند، فاصله و جدایی آنان از شیعه امامی از میان برمی‌خیزد، و پیوند مورد نظر، محقق می‌گردد و همبستگی و انس و اُفتی مطلوب و سازنده میان هر دو طرف به وجود می‌آید. فقدان رهبری در طول تاریخ، چنان شیعیانی را به بیراهه کشانده و تعالیم و فرهنگ اهل بیت - علیهم‌السلام - است که می‌تواند آنان را به راه آورده و در رده سایر شیعیان امامی قرار گیرند.

ب - مشکل دیگری که آنان را افسرده خاطر می‌ساخت عدم وجود مرکزی برای تعالیم دینی، و به عبارت دیگر: نداشتن حوزه علمیه برای نوجوانانی بود که برای آنها در ترکیه فقط مدرسانی از مقدمات صرف و نحو تا کتاب «مغنی‌اللیب» در میان علمای شیعه ترکیه وجود دارد. به همین جهت ناگزیرند در چنین سطحی جلای وطن کنند، و با چنان سن و سالی که نباید از پدر و مادر دور گردند راه مهاجرت را در پیش گیرند که پیداست سزا نیست در شرایط یاد شده، به دور از والدین به سر برند. اگر حوزه‌ای متمرکز برای شیعیان در آن دیار تأسیس



شود می‌توانند پس از پشت سر نهادنِ دروسِ مقدماتی صرف و نحو و علوم بلاغت و سطوحی بالاتر در خود ترکیه، در سن و سالی مناسب برای ادامهٔ تحصیل، راهی حوزه‌های علمیه ایران و یا سایر کشورهای مورد نظر گردند. اظهار داشتند شیعیان ثروتمند ترکیه به اینگونه مسائل عنایتی مبذول نمی‌دارند، و متدینین که - خود، مستضعف هستند - توانایی اقتصادی و مالی برای انجام چنین مهمی را دارا نیستند و چشم امید به جمهوری اسلامی ایران دوخته‌اند که در تأسیس مرکزی آبرومند - برای تعلیم قرآن و تحصیل علوم دینی - به آنها مدد رساند؛ لیکن یادآور شدم جمهوری اسلامی ایران در جهت پیشبردِ اموری که در جهت تقویت اسلام و قرآن انجام می‌گیرد در حدّ وسیع و توان خود کمترین دریغی را روا نمی‌دارد؛ اما شما نمی‌دانید که استکبار جهانی - که دشمنی دیرینه‌ای با اسلام و بویژه جمهوری اسلامی ایران دارد - برای این که ام‌القرای اسلام را در تنگناهای اقتصادی قرار دهد (و با تهاجم فرهنگی، ضعفِ جمهوری اسلامی ایران را در خراب ببیند) تا کنون از پای ننشسته و مسائل داخلی ما را از پیش با جنگی تحمیلی به وضعی کشانده است که ملتِ فداکار ایران تا کنون تمام مشکلات و دشواریهایی را که آمریکای جهان‌خوار و دولتمردان پیرو تز «هرتزل» و صهیونیسم برای این مرز و بوم (و سایر ممالک اسلامی و غیر اسلامی) فراهم آورده با صبر و شکیبایی شگرفی تحمل کرده و هم‌اکنون ناگزیر برای ترمیم ویرانیها و تأمین نیازهای ضروری با مشکلات عظیمی رویاروی می‌باشد که فعلاً تا کنون گره بسیاری از این مشکلات را از هم گشوده و در جهت ایجاد رفاه نسبی در طرز زندگانی مستضعفان گامهای بلند و شگرفی برداشته، و می‌باید تلاشهایی پی‌گیر را در توسعه و تعمیم آن نسبت به همهٔ آحاد و قشرها در تمام نقاط مختلف ایران دنبال کند.

ج - از این که دولتمردان ترکیه در بیگانگی از دین پا فشاری می‌کنند، و با وجود این که ده‌ها سال است که مصطفی کمال آتاتورک از دنیا رخت بر بسته و اندیشه‌های لائیک او بر حکومت ترکیه اقتدار خود را حفظ کرده، سخت افسرده می‌نمودند؛ در حالی که رژیم این چنین در حلّ مشاكل مردم ترکیه نه تنها موفق نبوده بلکه دین و دنیای آنها را به انحطاط و سقوط و ویرانی کشانده است. هر چند مردم متدین ترکیه خواهان ایجاد جوّ سالم دینی از دولت هستند؛ اما گویا این حکومت گوشش بدهکار این درخواستها نیست.